

# تأثیر کاهش ارزش ریال بر واردات

عباس جوهری

مقدمه

می‌داده (جدول و نمودار ۱)، لذا صادرات به‌عنوان یک متغیر عمدتاً برونزا برای اقتصاد ایران می‌باشد. از این رو بحث ما در این مقاله صرفاً بر روی بررسی تأثیر کاهش ارزش ریال بر واردات متمرکز شده است.

از مشکلات عمده برخی از کشورهای جهان (از جمله ایران) کسری تراز تجاری تراز پرداختها می‌باشد. اگر به تراز تجاری نگاه کنیم مشاهده می‌شود که تراز مذکور شامل دو قلم عمده صادرات و واردات می‌باشد.

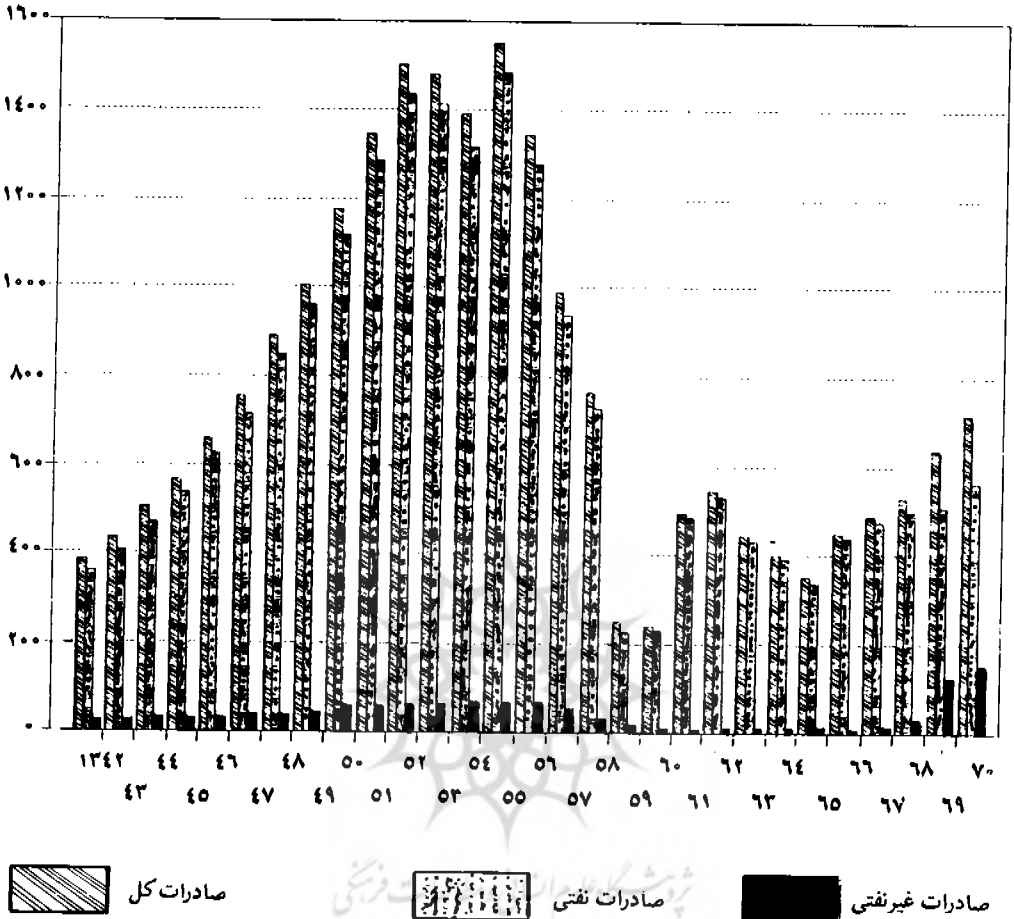
- مبنای تئوریک موضوع

از اهداف مهم اقتصادی برای هر کشور و بخصوص کشورهای جهان سوم دستیابی به تعادل داخلی و خارجی اقتصاد می‌باشد. گاهی که بین اهداف اقتصادی یک کشور تضاد و تقابلی وجود داشته باشد، در این صورت کشورها با توجه به شرایط و اهمیت اهداف، یکی از مهمترین هدفها را - در صورتی که امکان دستیابی همزمان به چند هدف وجود نداشته باشد - انتخاب نموده و از سیاستهای مناسب جهت دستیابی به آن استفاده می‌نمایند.

در این مقاله ما به بررسی یکی از سیاستهای تعدیل اقتصادی، یعنی کاهش ارزش ریال خواهیم پرداخت و تأثیر آن را بر واردات مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. از آنجا که صادرات ما عمدتاً به صورت نفت است و میزان صدور آن نیز از کنترل ما خارج می‌باشد و همچنین قیمت آن هم تحت تأثیر نوسانات بازار بین‌المللی نفت می‌باشد و از طرفی دیگر، صادرات غیرنفتی نیز سهم ناچیزی از صادرات کل ما را تشکیل می‌دهد به گونه‌ای که طی دوره مورد بررسی (۱۳۴۲-۱۳۷۰) تنها ۵/۶ درصد از کل صادرات ما را تشکیل

سال	صادرات غیر نفتی (X)	صادرات نفتی (XO)	صادرات کل (XT)	سهم صادرات غیر نفتی (sx)
۱۳۴۲	۲۵/۱	۳۶۱/۴	۳۸۶/۵	۶/۵
۱۳۴۳	۲۶/۷	۴۰۷/۶	۴۳۴/۳	۶/۱
۱۳۴۴	۳۲/۳	۴۷۳/۲	۵۰۵/۵	۶/۴
۱۳۴۵	۲۸/۹	۵۳۹/۱	۵۶۸/۰	۵/۱
۱۳۴۶	۳۲/۶	۶۲۷/۵	۶۶۰/۱	۴/۹
۱۳۴۷	۳۸/۸	۷۱۵/۳	۷۵۴/۱	۵/۱
۱۳۴۸	۴۰/۵	۸۵۱/۵	۸۹۲/۰	۴/۵
۱۳۴۹	۴۵/۸	۹۵۹/۴	۱۰۰۵/۲	۴/۶
۱۳۵۰	۶۱/۰	۱۱۱۷/۶	۱۱۷۸/۶	۵/۲
۱۳۵۱	۵۹/۷	۱۲۸۷/۸	۱۳۴۷/۵	۴/۴
۱۳۵۲	۶۴/۷	۱۴۳۶/۷	۱۵۰۱/۴	۴/۳
۱۳۵۳	۶۵/۶	۱۴۹۲/۴	۱۴۷۸/۰	۴/۴
۱۳۵۴	۷۱/۶	۱۳۲۰/۱	۱۳۹۱/۷	۵/۱
۱۳۵۵	۶۷/۸	۱۴۸۳/۸	۱۵۵۱/۶	۴/۴
۱۳۵۶	۶۷/۱	۱۲۸۰/۹	۱۳۴۸/۰	۵/۰
۱۳۵۷	۵۳/۶	۹۳۸/۶	۹۹۲/۲	۵/۴
۱۳۵۸	۳۴/۰	۷۳۰/۴	۷۶۴/۴	۴/۴
۱۳۵۹	۲۱/۴	۲۲۸/۶	۲۵۰/۰	۸/۶
۱۳۶۰	۱۰/۸	۲۳۱/۰	۲۴۱/۸	۴/۵
۱۳۶۱	۸/۸	۴۸۶/۱	۴۹۴/۹	۱/۸
۱۳۶۲	۱۰/۶	۵۳۳/۸	۵۴۴/۴	۱/۹
۱۳۶۳	۹/۷	۴۳۳/۶	۴۴۳/۳	۲/۲
۱۳۶۴	۱۱/۰	۳۹۰/۷	۴۰۱/۷	۲/۷
۱۳۶۵	۱۴/۲	۳۳۶/۷	۳۵۰/۹	۴/۰
۱۳۶۶	۸/۱	۴۳۸/۵	۴۴۶/۶	۱/۸
۱۳۶۷	۱۳/۹	۴۷۵/۸	۴۸۹/۷	۲/۸
۱۳۶۸	۲۸/۷	۴۹۹/۶	۵۲۸/۳	۵/۴
۱۳۶۹	۱۲۸/۲	۵۰۹/۶	۶۳۷/۸	۲۰/۱
۱۳۷۰	۱۵۲/۶	۵۶۳/۴	۷۱۶	۲۱/۳

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - حسابهای ملی سالهای (۱۳۴۲-۱۳۷۰)



پژوهشگاه ملی  
پرتال جامع علوم انسانی

 صادرات کل     
  صادرات نفتی     
  صادرات غیرنفتی

اشاره خواهیم نمود.

سیاستهای تعدیل اقتصادی

بعضی از مهمترین ابزار سیاستی که برای نیل به هدف تراز داخلی و تراز خارجی یا تعادل تراز پرداختها در دسترس سیاستگذاران می باشد به شرح ذیل است:

اگر به تراز پرداختهای کشور خودمان توجه گردد مشاهده می شود که بعضی از سالها از عدم تعادل خارجی رنج می برده است (جدول و نمودار شماره ۲). بنابراین لازم است جهت رفع این عدم تعادل، سیاستهای مناسب اتخاذ و اعمال گردد که در اینجا به سیاستهای عمده تعدیل اقتصادی

از اهداف مهم اقتصادی برای هر کشور و بخصوص کشورهای جهان سوم دستیابی به تعادل داخلی و خارجی اقتصادی می باشد.

#### ۱- سیاست تغییر هزینه یا تقاضا

سیاستهای تغییر هزینه یا تقاضا به سسیاستهای مالی دولت مانند: تغییر هزینه‌های دولت و یا وضع مالیات و همچنین سیاستهای پولی که عرضه پول را تحت تأثیر قرار می دهد، اطلاق می شود. حال اگر اقتصاد داخلی فرضاً "دچار رکود شده باشد، می توان به وسیله سیاستهای مالی و پولی انبساطی رکود داخلی را از بین برد. حال اگر تعادل داخلی و خارجی اقتصاد به طور همزمان مدنظر باشد و علاوه بر رکود داخلی با کسری در تراز پرداختها نیز روبه رو باشیم، استفاده از سیاستهای مالی و پولی انبساطی، رکود داخلی را از بین برده یا کاهش می دهد ولی از طرف دیگر کسری ترازپرداختها افزایش می یابد؛ چون سیاست پولی انبساطی باعث افزایش عرضه پول و کاهش نرخ بهره شده و موجبات افزایش خروج سرمایه‌های کوتاه مدت و کاهش ورود سرمایه‌های کوتاه مدت بین المللی را فراهم می سازد. همچنین سیاست مالی انبساطی مانند افزایش مخارج دولت و یا کاهش مالیات ضمن اینکه رکود داخلی را

کاهش می دهد، اما باعث افزایش واردات و کسری بیشتر در ترازپرداختها می شود. بنابراین سیاستهای مالی و پولی انبساطی زمانی مفید است که ما رکود داخلی همراه با مازاد در ترازپرداختها داشته باشیم و زمانی که ما کسری ترازپرداختها همراه با رکود داخلی داریم باید بین تعادل داخلی و خارجی یکی را انتخاب کرده و برای رسیدن به تعادل داخلی و خارجی به طور همزمان دو دسته ابزار مستقل داشته باشیم.

حال اگر تورم داخلی همراه با کسری ترازپرداختهای خارجی داشته باشیم، با سیاستهای مالی و پولی انقباضی، ضمن کنترل تورم می توانیم کسری ترازپرداختها را بهبود ببخشیم. ولی اگر تورم داخلی با مازاد در ترازپرداختها همراه باشد، سیاستهای انقباضی مالی و پولی، اگرچه تورم را مهار می کند، ولی مازاد ترازپرداختها را نه تنها از بین نمی برد بلکه افزایش نیز می دهد. بنابراین در اینجا نیز احتیاج به دو ابزار جداگانه برای رسیدن به تعادل همزمان داخلی و خارجی، ضرورت پیدا می کند.

#### ۲- سیاستهای مالی و پولی

سیاستهای مالی و پولی به عنوان دو ابزار مستقل جهت ایجاد تراز داخلی و خارجی تأثیر کاهش ارزش ریال بر واردات ۹

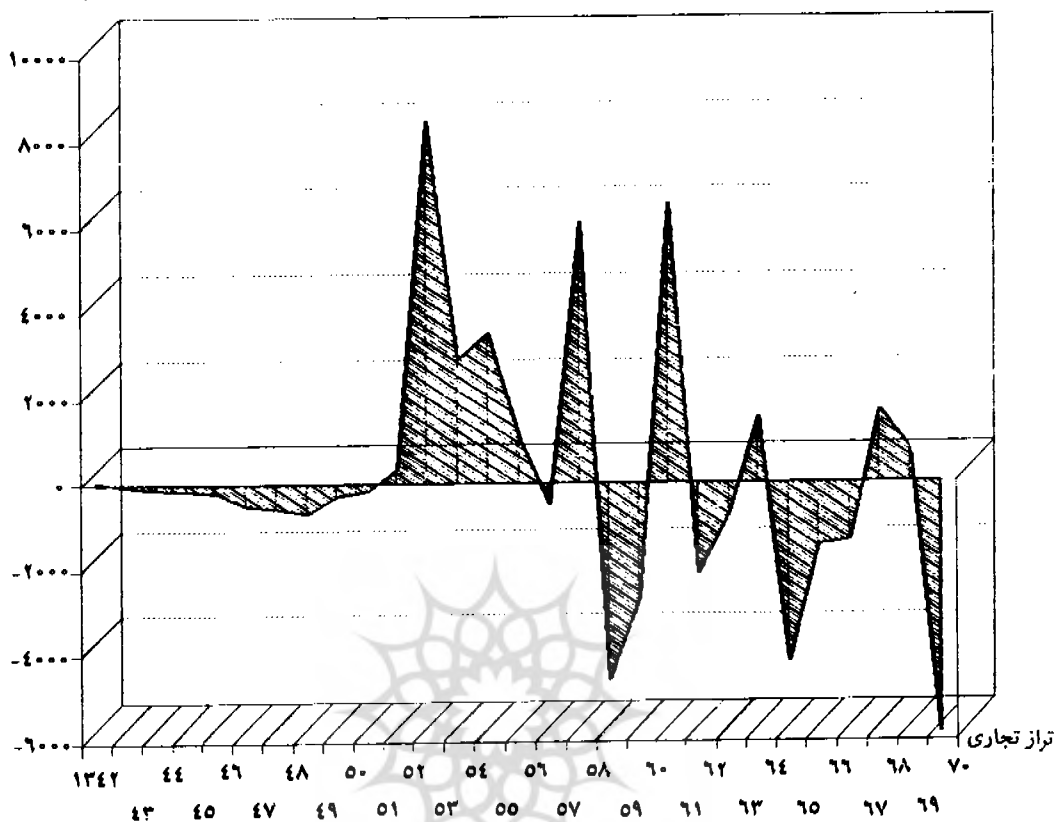
جدول (۲): تراز تجاری

(میلیون دلار)

سال	دریافتهای جاری کل	پرداختهای جاری کل	تراز تجاری
۱۳۴۲	۶۱۸/۸	۵۴۸/۱	۷۰/۷
۱۳۴۳	۷۰۱/۴	۷۵۹/۱	-۵۷/۷
۱۳۴۴	۸۱۷/۴	۹۳۲/۵	-۱۱۵/۱
۱۳۴۵	۹۴۰/۸	۱۰۸۹/۲	-۱۴۸/۴
۱۳۴۶	۱۱۷۵/۸	۱۳۸۷/۲	-۲۱۱/۴
۱۳۴۷	۱۳۲۵/۱	۱۸۰۴/۷	-۴۷۹/۶
۱۳۴۸	۱۵۱۸/۷	۲۰۷۲/۲	-۵۵۳/۵
۱۳۴۹	۱۶۹۰/۱	۲۳۶۵/۱	-۶۷۵
۱۳۵۰	۲۷۳۴	۳۰۱۵	-۲۸۱
۱۳۵۱	۳۳۳۷	۳۵۰۲	-۱۶۵
۱۳۵۲	۶۲۳۲	۵۸۸۷	۳۴۵
۱۳۵۳	۲۰۹۲۲	۱۲۴۳۹	۸۴۸۳
۱۳۵۴	۲۱۹۷۲	۱۹۰۵۸	۲۹۱۴
۱۳۵۵	۲۴۶۱۸	۲۱۰۸۷/۱	۳۵۳۰/۹
۱۳۵۶	۲۵۵۹۰	۲۴۴۹۶	۱۰۹۴
۱۳۵۷	۲۲۷۳۷/۶	۲۳۲۳۸/۶	-۵۰۱
۱۳۵۸	۲۲۶۵۸/۴	۱۶۵۴۸/۷	۶۱۰۹/۷
۱۳۵۹	۱۴۲۱۴	۱۸۸۱۳/۴	-۴۵۹۹
۱۳۶۰	۱۴۳۲۰/۳	۱۷۰۵۷/۲	-۲۷۳۷
۱۳۶۱	۲۱۴۵۵/۸	۱۴۹۰۴	۶۵۵۱/۸
۱۳۶۲	۲۲۰۸۲	۲۴۱۹۷/۶	-۲۱۱۶
۱۳۶۳	۱۷۹۴۷/۷	۱۸۶۵۰/۵	-۷۰۲/۸
۱۳۶۴	۱۵۰۲۲/۷	۱۳۴۴۴/۳	۱۵۷۸/۴
۱۳۶۵	۷۱۴۵/۴	۱۱۳۴۲/۵	-۴۱۹۷
۱۳۶۶	۱۰۲۹۲/۳	۱۱۷۴۳/۶	-۱۴۵۱
۱۳۶۷	۸۸۱۰	۱۰۱۵۸/۷	-۱۳۴۹
۱۳۶۸	۱۳۳۷۹/۸	۱۱۶۷۹/۸	۱۷۰۰
۱۳۶۹	۱۸۴۲۹	۱۷۶۳۲/۴	۷۹۶/۶
۱۳۷۰	۱۶۰۱۹/۸	۲۱۸۸۰/۷	-۵۸۶۱

ماخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی

میلیون دلار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مورداستفاده قرار می‌گیرد. از سیاست مالی برای رسیدن به تراز داخلی و از سیاستهای پولی جهت دستیابی به تراز خارجی - جهت تعادل همزمان خارجی و داخلی - استفاده می‌شود. همان‌طور که قبلاً بیان شد، برای رفع رکود یا تورم می‌توان از سیاستهای مالی و پولی استفاده نمود؛ زیرا سیاستهای پولی با

بهره هیچ واکنش نشان ندهند، در این صورت سیاستهای پولی مانند سیاستهای مالی فقط می‌توانند از طریق تغییر در درآمد ملی، بر تراز پرداختها مؤثر واقع شوند. بنابراین شرط استفاده از سیاستهای پولی و مالی به‌عنوان دو ابزار سیاست‌گذاری مستقل، این است که سرمایه‌های بین‌المللی کوتاه‌مدت نسبت به نرخ بهره حساسیت نشان دهند؛ در غیر این صورت ما با دو هدف، یعنی تعادل داخلی و خارجی و یک ابزار سیاست‌گذاری مواجه خواهیم بود.

حال اگر فرضاً در اقتصاد، رکود داخلی همراه با کسری تراز پرداختها داشته باشیم می‌توان از سیاستهای مالی و پولی به‌عنوان دو ابزار مستقل سیاست‌گذاری جهت دستیابی به تعادل داخلی و خارجی استفاده نمود، به طوری که برای برطرف کردن رکود داخلی از سیاستهای مالی انبساطی و برای رفع کسری تراز پرداختها از سیاستهای پولی انقباضی استفاده می‌شود.

همچنین اگر رکود داخلی همراه با مازاد تراز پرداختها داشته باشیم از سیاستهای مالی و پولی انبساطی استفاده می‌شود.

حالت دیگری که متصور است، تورم داخلی همراه با کسری در تراز پرداختها می‌باشد که برای رسیدن به تعادل خارجی از سیاست پولی انقباضی که باعث افزایش

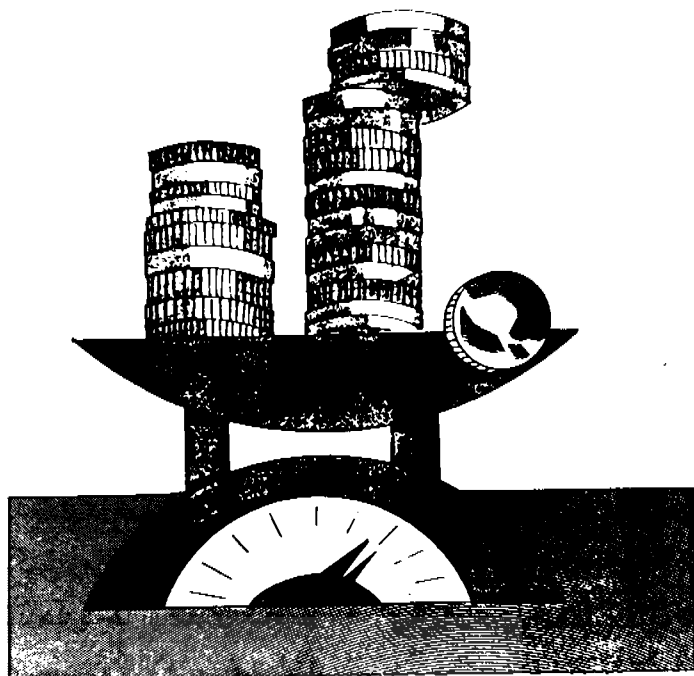
سیاست تضعیف پولی و تقویت پولی را از این جهت سیاستهای تبدیل هزینه می‌گویند، که باعث می‌شود هزینه‌ها، از سوی کالاها و خدمات خارجی به سمت کالاها و خدمات داخلی و یا بالعکس تغییر جهت دهد.

نرخ بهره و افزایش ورود سرمایه بین‌المللی کوتاه‌مدت یا کاهش خروج سرمایه‌های کوتاه‌مدت می‌شود استفاده می‌کنیم. در عین حال برای رسیدن به تعادل داخلی و مهار تورم، از سیاستهای مالی انقباضی استفاده می‌گردد.

این سیاست تعدیل، همان طوری که بیان شد برای رسیدن به تعادل خارجی، در صورتی مؤثر است که سرمایه‌گذاریهای بین‌المللی کوتاه‌مدت نسبت به تغییرات نرخ بهره، حساسیت لازم را داشته باشند، از طرف دیگر افزایش نرخ بهره کوتاه‌مدت برای تشویق ورود سرمایه به داخل کشور یا کاهش خروج سرمایه از کشور موجب افزایش نرخ بهره بلندمدت می‌شود که این نیز به نوبه خود موجب کاهش سرمایه‌گذاریهای بلندمدت داخلی و تقلیل رشد اقتصادی خواهد شد.

### ۳- کنترل‌های مستقیم

اگر کشوری برای رسیدن به تراز خارجی از سیاستهای پولی استفاده ننماید، یا



توصیه نمی‌شوند. بنابراین، به‌طور کلی سیاستهای کنترلی به‌علت کاهش منافع حاصل از تجارت نمی‌توانند ابزار مناسبی جهت ایجاد تعادل در تراز خارجی باشند و استفاده از این سیاستها مگر در مواقع خاص توصیه نمی‌گردد.

#### ۴- سیاست تبدیل هزینه (یا سیاست کاهش ارزش پول داخلی)

این سیاست جهت رسیدن به تعادل خارجی توصیه می‌گردد. سیاست تبدیل هزینه، کاهش ارزش پول رایج داخلی درمقابل پول خارجی (Devaluation) و

چنانچه این سیاست در آن کشور بی‌فایده یا غیرقابل اجرا باشد و تمایلی به سیاست تبدیل هزینه یا به‌عبارت دیگر کاهش ارزش پول داخلی به‌دلیل عوارض سیاسی و اقتصادی آن وجود نداشته باشد و یالینکه ناتوان از اجرای آن باشد؛ یا تمایلی به سیستم نرخ ارز شناور وجود نداشته باشد، دراین صورت راهی که برای اصلاح کسری مزمن ترازپرداختها وجود دارد کنترلهای تجاری و ارزی می‌باشد.

سیاستهای کنترلی نیز به‌دلیل آثار سویی که بر تخصیص منابع و همچنین کارآیی اقتصادی دارند و باعث ایجاد بازار سیاه برای ارز و فسادهای ناشی از آن می‌گردند،



تقویت پول رایج کشور (Revaluation) را شامل می‌شود. سیاستهای تضعیف پولی و تقویت پولی را از این جهت سیاستهای تبدیل هزینه می‌گویند، که باعث می‌شوند هزینه‌ها از سوی کالاها و خدمات خارجی به سمت کالاها و خدمات داخلی و یا بالعکس تغییر جهت دهند. زمانی که تضعیف پولی انجام می‌شود، هزینه‌ها از سوی کالاها و خدمات خارجی به سمت کالاها و خدمات داخلی تغییر جهت می‌دهند و برعکس زمانی که تقویت پولی انجام می‌شود هزینه‌ها از سوی کالا و خدمات داخلی به سمت کالاها و خدمات خارجی سوق پیدا می‌کنند؛ به عبارت دیگر، با تضعیف پول رایج داخلی (یعنی تقویت ارزش پول خارجی) واردات کشور برحسب پول رایج داخلی - که تضعیف شده است - گران خواهد شد و صادرات کشوری که تضعیف پولی انجام داده، برای خارجیان ارزان می‌شود. بنابراین با تضعیف پول رایج کشور، صادرات افزایش و واردات کاهش می‌یابد و در نهایت کسری ترازپرداختها اصلاح می‌گردد.

بنابراین سیاست تضعیف ارزش پول رایج کشور (Devaluation) و تقویت ارزش پول رایج کشور (Revaluation) به عنوان

ابزاری جهت رفع کسری و مازاد ترازپرداختها توسط مقامات رسمی کشوری که دارای سیستم نرخ ارز ثابت می‌باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. لازم به بیان است که زمانی تضعیف پولی به اصلاح کسری ترازپرداختها و تقویت پول رایج ملی به رفع مازاد ترازپرداختها کمک می‌کند که بازار ارز خارجی باثبات باشد، در غیر این صورت برای اصلاح کسری ترازپرداختها، تقویت ارزش پول ملی و نه تضعیف آن ضرورت پیدا می‌کند و برای اصلاح مازاد ترازپرداختها، تضعیف پول رایج داخلی ضرورت می‌یابد.

ثبات بازار ارز را می‌توان برحسب کشش قیمتی تقاضای واردات (e m) و کشش قیمتی صادرات (e x) بیان نمود:

$$e x - e m > 1$$

که این همان شرط معروف مارشال - لرنر است.

از آنجا که کشش قیمتی صادرات (e x) مثبت است و کشش قیمتی تقاضای واردات (m) منفی می‌باشد لذا رابطه فوق را می‌توان برحسب قدر مطلق نیز بیان نمود:

$$|e x| + |e m| > 1$$

به عبارت دیگر شرط لازم و کافی برای ثبات بازار ارز این است که مجموع

(۱) برای اطلاع بیشتر به مأخذ شماره (۱۲)، ص ۱۷ مراجعه فرمائید.

تابع تقاضای واردات نسبت به قیمتها پرداخت.

### - تابع تقاضای واردات

تابع تقاضای واردات، مانند دو تابع تقاضای دیگری معمولاً تابعی از قدرت جاری خریداران (Y) و قیمت محصول (PM) و قیمت کالاهای جانشین (PD) در نظر گرفته می‌شود. بنابراین تابع تقاضای واردات (M) در یک شکل ساده و اولیه، به صورت تابعی از درآمد ملی واقعی و نسبت قیمت کالاهای وارداتی و قیمت کالاهای داخلی بیان می‌گردد.<sup>۱</sup>

لذا داریم:

$$M = f(y, PM, PD)$$

البته انتظار براین است که واردات، همراه با درآمد افزایش یابد؛ ولی انتظار نداریم که تمام درآمد برای واردات صرف شود. به همین طریق انتظار داریم که هرچه قیمت واردات کمتر و قیمت جانشینهای آنها بیشتر باشد، حجم واردات بیشتر باشد.<sup>۲</sup> "Evans" و "Houthakker" و "Magee" با این قید که اثر تغییرات قیمت خود کالا، برابر اثر تغییرات معکوس قیمت کالاهای جانشین

قدرمطلقهای کشش قیمتی صادرات و واردات بزرگتر از یک باشند، تا با کاهش ارزش پول، بتوان به رفع یا بهبود کسری تراز تجاری ترازپرداختها از طریق کاهش واردات و افزایش صادرات دست یافت.

از آنجا که صادرات ما، عمدتاً به صورت نفت خام می‌باشد و صادرات غیرنفتی نیز سهم ناچیزی در کل صادرات دارد، لذا در اینجا فرض می‌کنیم که صادرات ما هیچ واکنشی نسبت به سیاست کاهش ارزش ریال از خود نشان ندهد، به عبارتی دیگر کشش قیمتی صادرات را برابر صفر فرض می‌کنیم (یعنی  $\epsilon_m = 0$ ). در این حالت که بدترین حالت متصور برای کشش قیمتی صادرات می‌باشد، برای اینکه شرط مارشال - لرنر صادق باشد لازم است که کشش قیمتی واردات بزرگتر از یک باشد؛ یعنی

$$|\epsilon_m| > 1$$

برای محاسبه کشش قیمتی تقاضای واردات، لازم است ابتدا تابع تقاضای واردات را با توجه به مفروضات اقتصاد ایران تعیین نموده و سپس با استفاده از ضرائب برآورد شده قیمتهای نسبی، به قضاوت در مورد باکشش یا بی‌کشش بودن

(۱) به عنوان نمونه می‌توانید به Evans (۱۹۶۹)، Houthakker و Magee (۱۹۵۹) مراجعه فرمائید.

(۲) جهت مطالعه بیشتر به مأخذ شماره (۵) مراجعه فرمائید.

آن باشد، تابع تقاضای واردات را به صورت زیر بیان می‌دارند.

$$M = f(Y, PM/PD)$$

به جای نسبت قیمت کالاهای وارداتی به قیمت کالاهای جانشین، با توجه به آمار و شاخصهای موجود، از شاخص قیمتی واردات به عنوان قیمت کالاهای وارداتی و از شاخص قیمتی کالاهای تولید و مصرف شده در داخل، به عنوان قیمت کالاهای داخلی استفاده می‌شود که این قیمت‌های نسبی می‌توانند جایگزینی برای نرخ ارز واقعی در نظر گرفته شوند؛ همچنان که ادواردز<sup>۱</sup> (Edwards)، نرخ ارز واقعی را (RER)<sup>۲</sup> به صورت قیمت نسبی کالاهای قابل تجارت (Tradables) به کالاهای غیرقابل تجارت (Nontradables)، که با یک واحد پول اندازه‌گیری شده‌اند، تعریف می‌نماید. اما در عمل شاخصهای قیمتی موجود و دردسترس، جانشین می‌شوند و برای قیمت کالاهای قابل تجارت از قیمت کالاهای وارداتی و برای کالاهای غیرقابل تجارت از قیمت‌های مصرف‌کننده استفاده می‌شود. اگرچه این کار ایده‌آل نیست، اما با توجه به این واقعیت که آنچه مورد نظر

است، یافتن روند حرکت نرخ ارز واقعی می‌باشد، نه تغییرات دوره‌ای آن، مشکلی را در نتیجه‌گیری ما ایجاد نمی‌کند. لذا در ایران با توجه به آمارهای موجود برای کالاهای قابل تجارت، از شاخص قیمتی کالاهای وارداتی و برای کالاهای غیرقابل تجارت از شاخص قیمتی کالاهای تولید و مصرف شده در داخل استفاده می‌شود.

زمانی تضعیف پولی، به اصلاح کسری تراز پرداخت و تقویت پولی، به رفع مازاد تراز پرداختها کمک می‌کند که بازار ارز با ثبات باشد.

### - متغیر درآمدهای ارزی (E)<sup>۳</sup>

قدرت خرید جاری تقاضاکنندگان یا خریداران، عامل مؤثری در تعیین مقدار تقاضای واردات می‌باشد. با توجه به خصوصیات و مفروضات اقتصاد ایران که صادرکننده عمده نفت می‌باشد و وابسته به درآمدهای ارزی حاصل از آن است، درآمدهای ارزی به عنوان یک متغیر مهم و مؤثر همواره برای تقاضای واردات مطرح بوده، به طوری که با بهبود درآمدهای ارزی واردات افزایش و برعکس با کاهش

(۱) جهت اطلاع بیشتر به مأخذ شماره (۱۸) مراجعه شود.

2) Real Exchange Rate

3) Exchange

## جدول (۳)

سال	درآمدهای ارزی ( E ) (میلیون دلار)	واردات ( M ) (میلیون دلار)	نرخ رشد درآمدهای ارزی	نرخ رشد واردات
۱۳۴۲	۶۱۸/۸	۵۱۱/۵	-	-
۱۳۴۳	۷۱۴/۸	۷۴۰/۲	۱۵/۵	۴۴/۷
۱۳۴۴	۸۱۷/۳	۸۶۸/۶	۱۴/۳	۱۷/۳
۱۳۴۵	۹۴۰/۸	۹۶۳/۷	۱۵/۱	۱۰/۹
۱۳۴۶	۱۱۷۵/۵	۱۱۹۰/۳	۲۴/۹	۲۳/۵
۱۳۴۷	۱۳۲۵/۱	۱۳۸۹/۲	۱۲/۷	۱۶/۷
۱۳۴۸	۱۵۱۸/۷	۱۵۴۲/۷	۱۴/۶	۱۱/-
۱۳۴۹	۱۶۹۰/۱	۱۶۷۶/۶	۱۱/۳	۸/۷
۱۳۵۰	۲۷۳۳/۵	۲۰۶۰/۹	۶۱/۷	۲۲/۹
۱۳۵۱	۳۳۳۷/۲	۲۵۷۰/۰	۲۲/۲	۲۴/۷
۱۳۵۲	۶۲۳۲/۰	۳۷۳۷/۰	۸۶/۷	۴۵/۴
۱۳۵۳	۲۰۹۲۲/۰	۶۶۱۴/۰	۲۳۵/۷	۷۷/۰
۱۳۵۴	۲۱۹۷۱/۰	۱۱۶۹۶/۰	۵/۰	۷۶/۸
۱۳۵۵	۲۴۴-۴/۰	۱۲۷۶۶/۰	۱۱/۱	۹/۱
۱۳۵۶	۲۵۵۹-/۱	۱۴۶۲۶/۰	۴/۹	۱۴/۶
۱۳۵۷	۲۲۷۳۷/۶	۱۰۳۷۲/۰	-۱۱/۱	-۲۹/۱
۱۳۵۸	۲۲۶۵۸/۴	۹۶۹۵/۰	-۰/۳	-۶/۵
۱۳۵۹	۱۴۲۱۴/۰	۱۰۸۴۴/۰	-۳۷/۳	۱۱/۹
۱۳۶۰	۱۴۳۲-/۳	۱۳۵۱۵/۰	-/۷	۲۴/۶
۱۳۶۱	۲۱۴۵۵/۸	۱۱۸۴۵/۰	۴۹/۸	-۱۲/۴
۱۳۶۲	۲۲-۸۲/۰	۱۸۱-۳/۰	۲/۹	۵۲/۸
۱۳۶۳	۱۷۹۴۷/۷	۱۴۴۹۴/۰	-۱۸/۷	-۱۹/۹
۱۳۶۴	۱۵۰۲۲/۷	۱۱۴-۸/۰	-۱۶/۳	-۲۱/۳
۱۳۶۵	۷۱۴۵/۴	۹۳۵۵/۰	-۵۲/۴	-۱۸/۰
۱۳۶۶	۱۰۲۹۲/۳	۹۳۶۹/۰	۴۴/۰	۰/۱
۱۳۶۷	۸۱۰/۰	۸۱۷۷/۰	-۱۴/۴	-۱۲/۷
۱۳۶۸	۱۳۳۷۹/۸	۱۲۸۰۷/۰	۵۱/۹	۵۶/۶
۱۳۶۹	۱۸۴۲۹	۱۸۷۲۲	۳۷/۷	۴۶/۲
۱۳۷۰	۱۶۰۲۰	۲۹۶۷۷	-۱۳/۱	۵۸/۵

منبع: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران سالهای (۱۳۴۲-۱۳۷۰)

گرفته شود (پسران ۱۹۸۴)<sup>۱</sup> و انتظار داریم که با تغییر در مقدار مصرف، سرمایه گذاری و مخارج دولت ( $A = C+I+G$ )، تقاضای واردات نیز تغییر کند و سیاستهای مالی که باعث افزایش مصرف، سرمایه گذاری و مخارج دولت می شود، واردات را هم افزایش و سیاستهای مالی انقباضی که مصرف، سرمایه گذاری و مخارج دولت را کاهش می دهد، واردات را نیز محدود نماید.

#### - متغیر مجازی (D)<sup>۲</sup>

همچنین برای لحاظ نمودن تأثیر عوامل کیفی بر روند واردات از متغیر مجازی که آن را با "DI" نشان می دهیم استفاده گردیده و برای سال ۱۳۵۷ (وقوع انقلاب اسلامی) و سالهای بعد از آن  $DI=1$  و برای سالهای قبل از انقلاب  $DI=0$  را قرار داده ایم. بنابراین تابع تقاضای واردات تعیین شده به صورت زیر می باشد:

$$M = f \left( \frac{PM}{PD}, E, A, DI \right)$$

فرم تابع تقاضای واردات را نمائی در نظر گرفته و برای تبدیل آن به فرم خطی از طرفین معادله لگاریتم می گیریم. بنابراین خواهیم داشت:

$$LM = a_1 + a_2 LRE + a_3 LE + a_4 LA + a_5 DI$$

درآمدهای ارزی (به علی از قبیل: جنگ یا کاهش قیمت نفت و یا کاهش در تقاضای جهانی نفت)، واردات نیز کاهش یافته است (جدول و نمودار شماره ۳). بنابراین درآمدهای ارزی همواره به عنوان یک محدودیت بر واردات مؤثر بوده اند. از طرفی با توجه به همخطی بین متغیر درآمد ملی (Y) و درآمد ارزی (E) و با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای ارزی حاصل از نفت و اهمیت درآمدهای ارزی در اقتصاد ایران، متغیر درآمد ملی (Y) از مدل حذف می گردد.

#### - متغیر جذب داخلی (A)<sup>۱</sup>

در کشورهایی که دارای اقتصاد تک محصولی بوده و صادرکننده عمده یک نوع مواد اولیه خام می باشند و از لحاظ درآمد ارزی نیز به ارز حاصل از صادرات این نوع مواد اولیه که عمدتاً در اختیار دولتهای این کشورها قرار می گیرند وابسته و امکان انتقال قسمتی از درآمدهای ارزی فوق در خارج از این کشورها نیز جهت سرمایه گذاری وجود دارد، لازم است تا واردات، تابعی از متغیر جذب داخلی در نظر

1) Absorbtion

3) Dummy Variable

(۲) جهت اطلاع بیشتر به مأخذ شماره ۱۹ مراجعه فرمائید.

در رابطه فوق  $a_1 = La$  و نماد  $L$  بیانگر لگاریتم بر مبنای طبیعی می باشد و از این به بعد قیمت‌های نسبی را که در واقع همان نرخ ارز واقعی می باشند با نماد  $RER$  نشان خواهیم داد.

### - تخمین تابع تقاضای واردات

تابع تقاضای تعیین شده را با استفاده از داده‌های سری زمانی برای سالهای ۱۳۴۲-۷۰ و با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) تخمین زده که نتیجه زیر بدست آمده است:

$$LM = 2/00 - 1/06 LRER + 0/71E$$

$$(0/0) \quad (-0/4) \quad (10/9)$$

$$R^2 = 0/96 \quad F = 224$$

$$R^{-2} = 0/90 \quad D.W = 1/6$$

در مدل فوق تست همخطی بین متغیرهای مستقل انجام شده و عدم وجود همخطی حاد بین متغیرهای مستقل تأیید می گردد. همچنین با توجه به آزمون دورین - واتسن، تست خودهمبستگی بین جملات اختلال انجام گرفته و به دلیل وجود خودهمبستگی، از مدل، رفع خودهمبستگی شده است. همان طور که مشاهده می شود

تقاضای واردات، تابعی از متغیر مستقل درآمدهای ارزی و نرخ ارز واقعی می باشد و به علت معنی دار نبودن متغیر مجازی (DI) از مدل حذف گردیده و متغیر جذب داخلی (A) نیز به علت اینکه متغیر، مسلط تشخیص داده شده، از مدل حذف گردیده است.

همچنین مدل برآورد شده، دارای قدرت توضیح دهنده بالایی می باشد؛ به گونه ای که ۹۶ درصد تغییرات متغیر تابع (LM) توسط متغیرهای مستقل درآمد ارزی (LE) و متغیر مستقل نرخ ارز واقعی (LRER) توضیح داده می شوند.

- با توجه به ضرائب برآورد شده متغیرهای مستقل که در واقع همان کششها می باشند، ملاحظه می کنیم که واردات نسبت به تغییرات نرخ ارز واقعی واکنش نشان داده و حساس می باشند و بازای یک درصد افزایش در نرخ ارز واقعی، واردات ۱/۵ درصد کاهش می یابد. همچنین با تغییر در درآمدهای ارزی، تقاضای واردات نیز تغییر می کند به طوری که با زای یک درصد کاهش یا افزایش در درآمدهای ارزی واردات ۷/۰ درصد کاهش یا افزایش می یابد.

بنابراین نظر به باکشش بودن تقاضای واردات نسبت به تغییرات نرخ ارز نتیجه

(۱) جهت اطلاع از ماهیت متغیرهای مسلط به مأخذ شماره (۶) مراجعه نمایند.

توابع تعیین شده به بررسی تأثیر هریک از انواع واردات کالاها برحسب نوع مصرف از سیاست اعمال شده بپردازیم.

با اعمال سیاست کاهش ارزش ریال تقاضا برای واردات به علت گرانتر شدن کالاهای وارداتی کاهش می یابد و این کاهش در تقاضای واردات اگر با سیاستهای تقویت کننده آن همراه گردد می تواند به رفع و یا بهبود کسری تراز پرداختها کمک نماید.

- تابع تقاضای واردات کالاهای مصرفی (MC)

تابع تقاضای واردات کالاهای مصرفی (MC) با توجه به اینکه تابعی از نرخ ارز واقعی و درآمدهای ارزی و متغیر مجازی (DI) می باشد اما برای بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر روند واردات کالاهای مصرفی، تابعی از واردات کالاهای مصرفی دوره قبل نیز در نظر گرفته شده است که این متغیر مستقل با یک وقفه زمانی، بیانگر عادت مصرفی مصرف کنندگان می باشد. بنابراین تابع تقاضای واردات کالاهای مصرفی در شکل خطی - لگاریتمی به صورت زیر ارائه می گردد:

$$LMC = \beta_1 + \beta_2 LRFER + \beta_3 LE + \beta_4 LMC(-1)$$

$$+ \beta_5 DI$$

که در تابع فوق  $\beta_1 = L\beta_3$  می باشد.

می گیریم که شرط مارشان - لرنر در ایران صادق است و با اعمال سیاست کاهش ارزش ریال و افزایش نرخ ارز واقعی تقاضا برای واردات به علت گرانتر شدن کالاهای وارداتی کاهش می یابد و این کاهش در تقاضای واردات اگر با سیاستهای تقویت کننده آن همراه گردد می تواند به رفع یا بهبود کسری تراز پرداختها کمک نماید.

بعد از اثبات شرط مارشال - لرنر، مسئله ای که مطرح است این است که اعمال این سیاست می تواند چه تأثیراتی بر بخش داخلی اقتصاد و تولیدات داخلی، با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به واردات مواد اولیه و کالاهای سرمایه ای داشته باشد. بنابراین برای بررسی تأثیر سیاست کاهش ارزش ریال بر تولیدات داخلی وابسته به کالاهای وارداتی، واردات را در یک تقسیم بندی به سه دسته: واردات کالاهای مصرفی، سرمایه ای و واسطه ای تفکیک می نمایم تا بین واردات کالاهائی که صرف رفاه مادی می گردد و واردات کالاهائی که جنبه تولیدی دارد و در جهت رسیدن به هدف رشد و توسعه اقتصادی می تواند مهم باشد، تفکیک به عمل آید. لذا برای بررسی تأثیر سیاست کاهش ارزش ریال بر واردات، برحسب نوع مصرف، لازم است تا ابتدا تابع تقاضای هر کدام را تعیین نموده و با برآورد

- تابع تقاضای کالاهای مصرفی وارداتی  
برآورد شده عبارت است از:

$$LMC = 0.05 - 1/VLRER + 0.6ALE$$

$$(13/0) \quad (-0/1) \quad (1/2)$$

$$R^2 = 0.95 \quad F = 166$$

$$R^{-2} = 0.946 \quad D.W = 1/8$$

همان‌طور که ملاحظه می‌شود متغیر مجازی DI و متغیر واردات کالاهای مصرفی با یک وقفه زمانی به علت معنی دار نبودن، از مدل خارج شده‌اند و با توجه به ضرائب برآورد شده، مشاهده می‌شود که با زای یک درصد کاهش ارزش پول، واردات کالاهای مصرفی ۱/۷ درصد کاهش می‌یابند؛ همچنین با تغییر در درآمدهای ارزی، واردات کالاهای مصرفی نیز تغییر می‌کند و با زای یک درصد کاهش یا افزایش در درآمدهای ارزی، واردات نیز ۰/۶۸ درصد کاهش و یا افزایش می‌یابند. بنابراین با اعمال سیاست کاهش ارزش پول (به علت باکشی بودن واردات کالاهای مصرفی نسبت به افزایش نرخ ارز واقعی) واردات کالاهای مصرفی کاهش می‌یابد و این کاهش می‌تواند در کاهش واردات کل و بهبود تراز پرداختها مؤثر باشد. البته لازم به ذکر است که اگر تولیدات داخلی نتوانند جوابگوی تقاضای کالاهای مصرفی باشند ما با مازاد تقاضا مواجه خواهیم بود که این

مازاد باعث افزایش قیمت کالاهای مصرفی داخلی شده و از آنجا که قیمت‌های نسبی مطرح می‌باشد، مجدداً امکان روی‌آوری مصرف‌کنندگان به تقاضا برای کالاهای مصرفی وارداتی وجود دارد.

- تسایع تقاضای واردات کالاهای سرمایه‌ای (MK)

تابع تقاضای واردات کالاهای سرمایه‌ای را علاوه بر متغیرهای مستقل درآمدهای ارزی (E)، نرخ ارز واقعی (RER) و متغیر مجازی (DI)، تابعی از متغیر مستقل سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی به قیمت ثابت (i) - به علت وابستگی صنایع و تولیدات داخلی از لحاظ ماشین‌آلات و لوازم یدکی به خارج از کشور - در نظر گرفته و انتظار داریم که با افزایش سرمایه‌گذاریهای ناخالص داخلی تقاضا برای ماشین‌آلات و لوازم یدکی وارداتی افزایش یابد. بنابراین تابع تقاضای فوق در شکل خطی - لگاریتمی به صورت زیر خواهد بود:

$$LMK = \alpha_0 + \alpha_1 LRER + \alpha_2 LE + \alpha_3 LI + \alpha_4 DI$$

که در تابع فوق  $\alpha_1 = 1$  می‌باشد.

مدل تعیین شده با استفاده از داده‌های سری زمانی برای سالهای ۱۳۴۲-۷۰



به شرح زیر برآورد شده است:

$$\begin{aligned}LMK &= -0/43 - 1/58LRER + 0/44LE \\ &+ 0/56LI \\ (1/99) \quad (2/9) \quad (-4/1) \quad (-0/62) \\ R^2 &= 0/94 \quad F = 99/1 \\ R^{-2} &= 0/93 \quad D.W = 1/51\end{aligned}$$

عرضه همراه با کاهش عرضه ناشی از کاهش واردات کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای می‌تواند باعث افزایش بی‌رویه قیمتها و تورم ناشی از مازاد تقاضا گردد که این افزایش قیمتها و تورم داخلی می‌تواند اثر اعمال سیاست کاهش ارزش ریال را کم و یا حتی خنثی نماید و مجدداً برای کاهش و یا جلوگیری از واردات، اقتصاد مجبور به کاهش مکرر ارزش ریال گردد. لذا باید زمینه برای افزایش تولید داخلی، درجهت جبران تقاضاهای منتقل شده از کالاهای وارداتی به کالاهای تولید داخلی را فراهم نمود.

### - تابع تقاضای واردات کالاهای واسطه‌ای (MI)

- تابع تقاضای واردات کالاهای واسطه‌ای را تابعی از متغیرهای مستقل نرخ ارز واقعی (RER) و درآمدهای ارزی (E) و ارزش افزوده بخش صنعت و معدن با یک وقفه زمانی (1-)VT در نظر می‌گیریم. متغیر مستقل ارزش افزوده بخش صنعت و معدن با یک وقفه زمانی را با توجه به وابستگی این بخش به مواد اولیه و کالاهای نیمه‌ساخته وارداتی وارد مدل نموده‌ایم و انتظار نیز بر این است که با افزایش ارزش افزوده بخش صنعت و معدن در دوره قبل،

در مدل، خودهمخطی حاد بین متغیرهای مستقل وجود ندارد و از مدل رفع خودهمبستگی بین جملات اختلال انجام گرفته و به علت معنی‌دار نبودن ضرائب برآورد شده متغیر مجازی (DI)، این متغیر از مدل حذف گردیده است.

- با توجه به ضریب برآورد شده متغیر مستقل نرخ ارز واقعی (LRER) ملاحظه می‌کنیم که با اعمال سیاست کاهش ارزش ریال، واردات کالاهای سرمایه‌ای حساسیت نشان داده و با زای یک درصد کاهش ارزش ریال، واردات کالاهای سرمایه‌ای حدود ۱/۶ درصد کاهش می‌یابد و این کاهش در واردات کالاهای سرمایه‌ای می‌تواند به رفع یا بهبود کسری تراز تجاری و تراز پرداختها کمک نماید. ولی نکته‌ای که باید به آن توجه نمود، این است که به علت وابستگی تولیدات داخلی به واردات کالاهای سرمایه‌ای و لوازم یدکی این کاهش واردات می‌تواند تولید داخلی را دچار رکود و نقصان سازد و با کاهش عرضه داخلی اقتصاد، مواجه شویم و این کاهش

تقاضا برای واردات کالاهای واسطه‌ای افزایش یابد.

اگر به آمارهای موجود نظری افکنده شود ملاحظه می‌شود که به‌عنوان مثال در سال ۱۳۵۸ حدود ۵۷ درصد از کل مواد اولیه موردنیاز صنایع از خارج تهیه می‌شده که این درصد در بعضی از صنایع (مثل صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی) به ۸۴/۸ درصد نیز رسیده است (جدول ۴).

بنابراین انتظار داریم که با راه‌اندازی واحدهای تولیدی و با افزایش در ارزش افزوده بخش صنعت و معدن در سال قبل، به دلیل وابستگی این بخش به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای نیمه‌ساخته، تقاضا برای واردات کالاهای واسطه‌ای در امسال نیز افزایش یابد. لذا با توجه به متغیرهای مستقل تعیین شده، تابع تقاضای واردات کالاهای واسطه‌ای در فرم خطی لگاریتمی به صورت زیر خواهد بود:

$$LMI = \delta_1 + \delta_2 LRRER + \delta_3 LVT(-1) + \delta_4 DI$$

که در تابع فوق  $\delta_1 = LMI_0$  می‌باشد و متغیرهای مجازی DI نیز برای لحاظ نمودن تأثیر انقلاب اسلامی بر روند واردات واسطه‌ای وارد مدل شده است.

مدل تعیین شده را برآورد نموده و داریم:

$$LMI = -0/08 - 0/82 LRRER + 0/41 LVT + 0/61 LVT(-1)$$

$$(2/99) (4/5) (-2/0) (-2/36)$$

$$R^2 = 0/966 \quad F = 163$$

$$R^{-2} = 0/960 \quad D.W = 1/01$$

در مدل فوق خودهمبستگی بین جملات اختلال رفع شده و همخطی حاد نیز بین متغیرهای مستقل وجود ندارد و با توجه به آماره  $t$  که در داخل پیرانتز و در زیر ضرایب برآورد شده، آماره ضریب متغیر نرخ ارز واقعی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود و سایر ضرایب متغیرهای مستقل نیز در فاصله اطمینان ۹۹ درصد قابل قبول می‌باشند.

با توجه به ضریب برآورد شده متغیر مستقل نرخ ارز واقعی ملاحظه می‌کنیم که با زای یک درصد کاهش ارزش ریال، واردات کالاهای واسطه‌ای به میزان ۰/۸۲ درصد کاهش می‌یابند. هرچند در اینجا کاهش قیمتی تقاضای واردات کالاهای واسطه‌ای، کوچکتر از یک می‌باشد ولی با توجه به وابستگی تولیدات داخلی به واردات مواد اولیه، این کاهش در واردات می‌تواند تولیدات داخلی را با مشکل مواجه سازد و باعث کاهش عرضه تولیدات داخلی گردد. لذا این کاهش عرضه همراه با کاهش عرضه در کل اقتصاد از طریق کاهش واردات باعث افزایش بی‌رویه قیمت‌ها شده و اقتصاد را با مشکل تورم داخلی ناشی از فشار تقاضا مواجه می‌سازد.

جدول (۴)

درصد

عنوان	استفاده از ظرفیت تولید	مواد اولیه که از خارج تهیه می شود	استفاده از لوازم یدکی خارجی
کل صنایع	۵۸/۳	۵۶/۷	۶۲/۶
مواد غذایی - آشامیدنیها و دخانیات	۶۴/۲	۲۹/۱	۶۱/۴
نساجی - پوشاک - چرم و پوست	۶۰/۹	۵۵/۷	۶۰/۴
چوب و ساخت محصولات چوبی	۴۷/۶	۳۵/۸	۷۰/۴
کاغذ و مقوا - چاپ و صحافی	۶۰	۷۹	۸۹/۷
شیمیائی	۶۱/۲	۷۱/۱	۶۷/۲
محصولات کانی غیر فلزی بجز نفت و زغال سنگ	۵۷/۵	۳۳/۸	۵۷/۵
فلزات اساسی	۷۰	۵۴/۶	۴۶/۹
ماشین آلات - تجهیزات - ابزار و محصولات فلزی	۴۸/۱	۸۴/۸	۶۸/۵
متفرقه	۱۰/۴	۵۵/۴	۶۶/۷

مآخذ: بررسی تحولات اقتصادی بعد از انقلاب - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - اداره بررسیهای اقتصادی

### - نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

تعیین گردیده و سپس تخمین زده شدند. باتوجه به توابع تقاضای واردات برآورد شده و فرض بر صحت آنها مشاهده می کنیم که با اعمال سیاست کاهش ارزش ریال (به دلیل صادق بودن شرط مارشال - لرنر در ایران) تقاضای واردات کاهش و با کاهش در واردات حتی با این فرض که صادرات هیچ واکنشی نشان ندهد و به عبارتی کشش قیمتی صادرات برابر صفر باشد ( $\theta_x = 0$ )، می توان به هدف بهبود یا رفع کسری تراز تجاری تراز پرداختها دست یافت.

- اما از طرفی، مسئله ای که دارای

- برای بررسی تأثیر کاهش ارزش ریال بر واردات، ابتدا تابع تقاضای واردات را باتوجه به مفروضات اقتصاد ایران تعیین نموده و سپس تابع تعیین شده را با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) برای دوره زمانی ۱۳۴۲-۷۰ برآورد کردیم. همچنین برای بررسی تأثیر اعمال این سیاست بر واردات کالاها برحسب نوع مصرف، ابتدا توابع تقاضای واردات کالاها را مصرفی، سرمایه ای و واسطه ای

۲/۲۴ درصد در طی دوره مورد بررسی می‌باشد، می‌تواند به رفع یا بهبود کسری تراز تجاری تراز پرداختها کمک نماید. ولی از طرفی با توجه به وابستگی تولیدات داخلی به واردات کالاهای سرمایه‌ای (مثل ماشین‌آلات و لوازم یدکی) این کاهش در واردات، می‌تواند علاوه بر تأثیر در روند تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاریهای جدید، باعث ایجاد نقصان و رکود در تولیدات داخلی گردد که این کاهش عرضه تولیدات داخلی می‌تواند با ایجاد تورم، تأثیر سیاست کاهش ارزش پول را کم و یا حتی خنثی نماید.

با نگاه به تابع تقاضای واردات کالاهای واسطه‌ای ملاحظه می‌شود که با اعمال سیاست کاهش ارزش ریال، واردات کالاهای واسطه‌ای نیز کاهش می‌یابد و با زای یک درصد کاهش ارزش ریال، واردات کالاهای واسطه‌ای ۸/۰ درصد کاهش خواهد یافت. با توجه به سهم واردات کالاهای واسطه‌ای در کل واردات که طی دوره مورد بررسی ۶/۵۷ درصد می‌باشد، این کاهش در واردات کالاهای واسطه‌ای می‌تواند از جهت رسیدن به تعادل خارجی اقتصاد مفید باشد. ولی از طرفی دیگر با توجه به وابستگی تولیدات داخلی به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وارداتی می‌تواند باعث تحدید و رکود تولیدات تأثیر کاهش ارزش ریال بر واردات ۲۵

اهمیت می‌باشد، تأثیر این سیاست بر ترکیب واردات بر حسب نوع مصرف می‌باشد که در این مقاله تأثیر این سیاست بر هر یک از اقلام وارداتی بر حسب نوع مصرف به طور مجزا مورد بررسی قرار گرفته است و با توجه به توابع برآورد شده مشاهده

---

تورم می‌تواند تأثیر کاهش ارزش ریال بر واردات را کم و یا حتی خنثی نماید.

---

می‌گردد که واردات کالاهای مصرفی نسبت به تغییر نرخ ارز حساس می‌باشند و با اعمال این سیاست می‌توان واردات کالاهای مصرفی را محدود نمود و با توجه به سهم واردات کالاهای مصرفی از کل واردات که حدود ۱۸ درصد می‌باشد (جدول ۵)، کاهش واردات کالاهای مصرفی می‌تواند به رفع یا بهبود کسری تراز تجاری تراز پرداختها کمک نماید. البته به شرط آنکه تبدیل تقاضا از کالاهای مصرفی وارداتی با افزایش تولید داخلی قابل جبران باشد.

همچنین با توجه به تابع تقاضای واردات کالاهای سرمایه‌ای، ملاحظه می‌کنیم که با اعمال این سیاست با زای هر یک درصد کاهش ارزش ریال، واردات کالاهای سرمایه‌ای حدود ۶/۱ درصد کاهش می‌یابد و این کاهش در واردات کالاهای سرمایه‌ای با توجه به سهم آن در کل واردات که حدود

جدول (۵)

سال	واردات (M) (میلیون دلار)	واردات کالاهای مصرفی (MC) (میلیون دلار)	واردات کالاهای سرمایه‌ای (MK) (میلیون دلار)	واردات کالاهای واسطه‌ای (MI) (میلیون دلار)	سهم واردات مصرفی (SMC) (درصد)	سهم واردات سرمایه‌ای (SMK) (درصد)	سهم واردات واسطه‌ای (SMI) (درصد)
۱۳۴۲	۵۱۱/۵	۱۸۰/۳	۱۰۶/۶	۲۲۴/۶	۳۵/۲	۲۰/۸	۴۳/۹
۱۳۴۳	۷۴۰/۲	۲۳۴/۰	۱۶۹/۷	۳۳۶/۵	۳۱/۶	۲۲/۹	۴۵/۵
۱۳۴۴	۸۶۸/۶	۲۳۵/۴	۲۳۶/۰	۳۹۷/۱	۲۷/۱	۲۷/۲	۴۵/۷
۱۳۴۵	۹۶۳/۷	۱۴۴/۸	۲۶۰/۷	۵۵۸/۲	۱۵/۰	۲۷/۱	۵۷/۹
۱۳۴۶	۱۱۹۰/۳	۱۵۰/۰	۳۲۹/۳	۷۱۱/۰	۱۲/۶	۲۷/۷	۵۹/۷
۱۳۴۷	۱۳۸۹/۲	۱۵۶/۴	۳۷۶/۳	۸۵۶/۵	۱۱/۳	۲۷/۱	۶۱/۷
۱۳۴۸	۱۵۴۲/۷	۱۶۸/۲	۳۸۷/۲	۹۸۷/۳	۱۰/۹	۲۵/۱	۶۴/۰
۱۳۴۹	۱۶۷۶/۶	۲۱۷/۷	۳۹۱/۰	۱۰۹۸/۵	۱۳/۰	۲۳/۳	۶۳/۷
۱۳۵۰	۲۰۶۰/۹	۲۴۱/۷	۴۸۲/۹	۱۳۳۶/۳	۱۱/۷	۲۳/۴	۶۴/۸
۱۳۵۱	۲۵۷۰/۰	۳۳۲/۰	۶۴۲/۰	۱۵۹۶/۰	۱۲/۹	۲۵/۰	۶۲/۱
۱۳۵۲	۳۷۳۷/۰	۵۵۷/۰	۹۰۶/۰	۲۲۷۴/۰	۱۴/۹	۲۴/۲	۶۰/۹
۱۳۵۳	۶۶۱۴/۰	۱۰۱۷/۰	۱۳۳۱/۰	۴۲۶۶/۰	۱۵/۴	۲۰/۱	۶۴/۵
۱۳۵۴	۱۱۶۹۶/۰	۱۹۹۵/۰	۳۴۸۹/۰	۶۲۱۲/۰	۱۷/۱	۲۹/۸	۵۳/۱
۱۳۵۵	۱۲۷۶۶/۰	۲۲۵۰/۰	۳۸۰۳/۰	۶۷۱۳/۰	۱۷/۶	۲۹/۸	۵۲/۶
۱۳۵۶	۱۴۶۲۶/۰	۲۶۹۷/۰	۴۰۱۹/۰	۷۹۱۰/۰	۱۸/۴	۲۷/۵	۵۴/۱
۱۳۵۷	۱۰۳۷۲/۰	۲۱۱۴/۰	۲۹۰۸/۰	۵۳۵۰/۰	۲۰/۴	۲۸/۰	۵۱/۶
۱۳۵۸	۹۶۹۵/۰	۲۵۵۹/۰	۱۸۳۵/۰	۵۳۰۱/۰	۲۶/۴	۱۸/۹	۵۴/۷
۱۳۵۹	۱۰۸۴۴/۰	۲۸۹۹/۰	۱۷۳۸/۰	۶۲۰۷/۰	۲۶/۷	۱۶/۰	۵۷/۲
۱۳۶۰	۱۳۵۱۵/۰	۳۱۴۱/۰	۲۱۴۹/۰	۸۲۲۵/۰	۲۳/۲	۱۵/۹	۶۰/۹
۱۳۶۱	۱۱۸۴۵/۰	۲۶۷۶/۰	۲۳۰۸/۰	۶۸۶۱/۰	۲۲/۶	۱۹/۵	۵۷/۹
۱۳۶۲	۱۸۱۰۳/۰	۲۹۱۱/۰	۴۳۵۲/۰	۱۰۸۴۰/۰	۱۶/۱	۲۴/۰	۵۹/۹
۱۳۶۳	۱۴۴۹۴/۰	۲۳۱۷/۰	۳۸۶۷/۰	۸۳۱۰/۰	۱۶/۰	۲۶/۷	۵۷/۳
۱۳۶۴	۱۱۴۰۸/۰	۱۵۷۶/۰	۲۴۲۱/۰	۷۴۱۱/۰	۱۳/۸	۲۱/۲	۶۵/۰
۱۳۶۵	۹۳۵۵/۰	۱۶۹۵/۰	۲۱۹۹/۰	۵۴۶۱/۰	۱۸/۱	۲۳/۵	۵۸/۴
۱۳۶۶	۹۳۶۹/۰	۱۶۶۲/۰	۲۲۰۹/۰	۵۴۹۸/۰	۱۷/۷	۲۳/۶	۵۸/۷
۱۳۶۷	۸۱۷۷/۰	۱۴۷۹/۰	۱۸۶۹/۰	۴۸۲۹/۰	۱۸/۱	۲۲/۹	۵۹/۱
۱۳۶۸	۱۲۸۰۷/۰	۲۳۴۴/۰	۲۹۱۵/۰	۷۵۴۸/۰	۱۸/۳	۲۲/۸	۵۸/۹
۱۳۶۹	۱۸۷۲۲	۲۵۰۰	۴۳۳۶	۱۱۸۵۴	۱۳/۴	۲۴/۸	۶۳/۳
۱۳۷۰	۲۹۶۷۷	۳۴۴۱	۹۹۱۱	۱۶۳۲۵	۱۱/۶	۳۳/۴	۵۵/۰

ماخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران سالهای (۱۳۷۰-۱۳۴۲)

شود این است که سیاست کاهش ارزش ریال از دو جهت می‌تواند تحدید شود و ما را به هدف تعادل خارجی اقتصاد نرساند. همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد با اعمال این

داخلی گردد و از تأثیر اعمال این سیاست جهت رسیدن به تعادل خارجی اقتصاد، بکاهد. بنابراین نکته‌ای که باید در نظر گرفته

با افزایش قیمت کالاهای تولید داخل نسبت به کالاهای وارداتی مجدداً تمایل به کالاهای وارداتی افزایش می‌یابد به گونه‌ای که برای کنترل واردات جهت رسیدن به تعادل خارجی اقتصاد، مجبور به کاهش مجدد ارزش پول داخلی خواهیم شد و این فرآیند همچنان تکرار می‌گردد.

سیاست به‌علت افزایش نرخ ارز و گرانتر شدن قیمت کالاهای وارداتی تقاضا برای واردات کاهش می‌یابد و این کاهش در واردات باعث کاهش در عرضه کل اقتصاد خواهد شد. برای جبران این کاهش عرضه ناشی از کاهش واردات، لازم است که تولیدات داخلی افزایش یافته تا کاهش عرضه کل اقتصاد جبران شود. چنانچه تولیدات داخلی به هر دلیلی از جمله وابستگی به واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای (مثل مواد اولیه، لوازم یدکی، ماشین‌آلات و کالاهای نیمه‌ساخته) افزایش نیابد و کاهش عرضه کل ناشی از کاهش واردات را جبران نکند در داخل با مازاد تقاضا مواجه شده در نتیجه قیمت‌های داخلی افزایش و با تورم ناشی از طرف تقاضا مواجه خواهیم بود که این تورم می‌تواند تأثیر کاهش ارزش ریال بر واردات را کم و یا حتی خنثی نماید. از جهتی واحدهای تولیدی وابسته، برای

ادامه فعالیت خود، مجبور به تأمین مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای خویش به قیمت‌های جدید ارز خواهند بود و افزایش قیمت کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای وارداتی مورد نیاز واحدهای تولیدی که ناشی از افزایش نرخ ارز می‌باشد باعث افزایش قیمت تمام شده تولیدات داخلی خواهد شد و اقتصاد را با تورم ناشی از عرضه اقتصاد مواجه و از تأثیر اعمال این سیاست بر واردات کاسته و یا حتی آن را بی‌اثر می‌نماید و تقاضا مجدداً برای کالاهای وارداتی افزایش می‌یابد.

این افزایش بی‌رویه در قیمت کالاهای تولید داخل چه از طرف تقاضا و چه از طرف عرضه، خودش را در شاخص قیمتی کالاهای تولید و مصرف شده در داخل نشان می‌دهد. این افزایش در قیمت کالاهای تولید و مصرف شده در داخل (PD) باعث بزرگتر شدن مخرج کسر  $(\frac{PM}{PD})$  که در واقع همان نرخ ارز واقعی می‌باشد، خواهد شد و از تأثیر اعمال سیاست کاهش ارزش ریال بر واردات می‌کاهد. از آنجا که مصرف‌کننده، قیمت‌های نسبی را  $(\frac{PM}{PD})$  مدنظر قرار می‌دهد و با توجه به قیمت‌های نسبی کالاهای داخلی و کالاهای وارداتی اقدام به خرید می‌کند با افزایش قیمت کالاهای تولید داخل نسبت به کالاهای

یکدیگر عمل نموده و یک پروسه تولیدی وابسته به هم ایجاد تا کالاهای واسطه‌ای و نیمه‌ساخته و کالاهای سرمایه‌ای موردنیاز سایر بخشهای تولید در داخل تأمین گردد تا حتی‌الامکان از واردات کالاهای سرمایه‌ای و نیمه‌ساخته مستغنی شویم.

۴) با افزایش کارآئی و بهره‌وری در بخشهای تولیدی، ضمن بهبود کیفیت تولیدات داخلی، قیمت تمام شده محصولات تولید داخل را نیز کاهش داده تا تولید داخلی توان رقابت با کالاهای مشابه خارجی را چه در بازار داخلی و چه در بازارهای جهانی داشته باشد.

۵) با حمایت کوتاه‌مدت و مقطعی از تولیدات داخلی در مقابل کالاهای مشابه خارجی، زمینه ادامه فعالیت برای واحدهای تولیدی وابسته به ارز را تأمین نموده تا این واحدهای تولیدی بتوانند خود را با شرایط جدید انطباق داده و با افزایش کارآئی و کاهش هزینه‌ها بتوانند به بازار جهانی، وارد شده و با محصولات خارجی به رقابت پردازند. این حمایتها می‌تواند به صورت بخشودگی مالیاتی و عوارض و حقوق گمرکی جهت واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای موردنیاز واحدهای تولیدی، دادن اعتبار ریالی به واحدهائی که با مشکل نقدینگی مواجه‌اند (به صورت وام کوتاه یا میان‌مدت)، برداشتن موانع و مشکلات

وارداتی، مجدداً تمایل به کالاهای وارداتی افزایش می‌یابد به گونه‌ای که برای کنترل واردات جهت رسیدن به تعادل خارجی اقتصاد، مجبور به کاهش مجدد ارزش پول داخلی خواهیم شد و این فرآیند همواره تکرار می‌گردد. لذا لازم است که ابتدا زمینه را برای موفقیت اعمال این سیاست فراهم نمود و سپس برای دستیابی به تعادل ترازپرداختها به سیاست کاهش ارزش ریال متوسل شد. بنابراین برای بدست آوردن موفقیت در این زمینه پیشنهاد می‌گردد که:

۱) زمینه و امکانات لازم برای افزایش توان تولیدی در داخل کشور فراهم شده و زیرساختهای اقتصادی جهت افزایش تولید، اصلاح گردد تا تولید داخلی توان پاسخگوئی به تقاضای داخلی را بدست آورد.

۲) علاوه بر افزایش تولید جهت تأمین تقاضای داخلی همگام با رشد جمعیت، مقداری از مازاد نیاز داخلی تولیدشده به خارج از کشور جهت تأمین نیازهای ارزی واحدهای تولیدی وابسته به ارز، صادر گردد؛ یعنی تولیدکننده علاوه بر تقاضای داخلی، تقاضای خارجی را نیز مدنظر قرار داده و به طرف تولید انبوه باهدف صادرات مازاد نیاز داخلی، سوق داده می‌شود.

۳) گسترش پروسه‌های تولیدی به نحوی که تولیدات داخلی به صورت مکمل

جدول اطلاعات

سال	درآمدهای ارزی (E) (میلیون دلار)	واردات (M) (میلیون دلار)	واردات مصرفی (MC) (میلیون دلار)	واردات کالاهای مصرفی	واردات سرمایه‌های کالاهای (MIK) (میلیون دلار)	واردات واسطه‌ای کالاهای (MI) (میلیون دلار)	سرمایه گذاری ناخالص داخلی (I) (میلیارد ریال)	تولید و مصرف شده (PD) (۱۳۵۳=۱۰۰)	شاخص قیمتی کالاهای وارداتی (PM) (۱۳۵۳=۱۰۰)	شاخص قیمتی کالاهای صادراتی و معدن (VT) (میلیارد ریال)	ارزش افزوده بخش صنعت و معدن (VT) (میلیارد ریال)
۱۳۴۱	۶۱۸/۸۰	۵۱۱/۵۰	۱۸۰/۳۰	۱۰۶/۸۰	۲۱۴/۸۰	۲۱۴/۸۰	۱۰۶/۸۰	۵۸/۲۰۰	۶۱/۴۰۰	۵۴/۸۰۰	۵۴/۸۰۰
۱۳۴۲	۷۱۶/۸۰	۷۶۰/۲۰	۳۲۱/۰۰	۱۶۶/۷۰	۳۳۱/۰۰	۳۳۱/۰۰	۱۲۵/۸۰	۶۳/۱۵۰	۶۲/۸۰۰	۵۹/۴۰۰	۵۹/۴۰۰
۱۳۴۳	۸۱۷/۳۰	۸۷۸/۶۰	۳۳۵/۴۰	۳۲۹/۰۰	۳۹۷/۱۰	۳۹۷/۱۰	۱۶۶/۳۰	۶۴/۵۰۰	۶۲/۸۰۰	۶۲/۱۰۰	۶۲/۱۰۰
۱۳۴۵	۹۴۰/۸۰	۹۳۳/۷۰	۴۴۴/۸۰	۴۷۰/۷۰	۵۵۸/۲۰	۵۵۸/۲۰	۱۶۸/۰۰	۶۲/۹۰۰	۶۲/۵۰۰	۷۳/۳۰۰	۷۳/۳۰۰
۱۳۴۶	۱۱۷۵/۵	۱۱۹۰/۳	۵۵۰/۰۰	۳۲۹/۳۰	۷۱۱/۰۰	۷۱۱/۰۰	۲۱۲/۳۰	۶۲/۸۰۰	۶۲/۲۰۰	۸۸/۲۰۰	۸۸/۲۰۰
۱۳۴۷	۱۳۲۵/۱	۱۳۸۱/۲	۵۵۶/۴۰	۳۷۹/۳۰	۸۵۱/۵۰	۸۵۱/۵۰	۲۲۶/۳۰	۶۳/۶۰۰	۶۳/۸۰۰	۱۰۱/۸۰	۱۰۱/۸۰
۱۳۴۸	۱۵۱۸/۷	۱۵۴۲/۷	۱۶۸/۲۰	۲۸۷/۲۰	۹۸۷/۳۰	۹۸۷/۳۰	۲۵۴/۸۰	۶۵/۱۰۰	۶۳/۸۰۰	۱۱۳/۷۰	۱۱۳/۷۰
۱۳۴۹	۱۶۹۰/۱	۱۵۹۶/۶	۲۱۷/۷۰	۲۸۷/۲۰	۱۰۳۸/۵	۱۰۳۸/۵	۲۸۳/۰۰	۶۷/۱۰۰	۶۶/۴۰۰	۱۲۶/۰۰	۱۲۶/۰۰
۱۳۵۰	۲۷۳۳/۵	۲۰۳۰/۹	۲۴۱/۷۰	۴۸۲/۸۰	۱۳۳۰/۳	۱۳۳۰/۳	۳۲۴/۸۰	۷۲/۷۰۰	۷۱/۷۰۰	۱۴۵/۸۰	۱۴۵/۸۰
۱۳۵۱	۳۳۳۷/۲	۲۵۷۰/۰	۳۳۲/۰۰	۳۴۲/۰۰	۱۵۹۶/۰	۱۵۹۶/۰	۴۱۰/۶۰	۷۵/۵۰۰	۷۸/۰۰	۱۷۴/۶۰	۱۷۴/۶۰
۱۳۵۲	۶۱۳۲/۰	۳۷۳۷/۰	۵۵۷/۰۰	۹۰۶/۰۰	۲۱۷۴/۰	۲۱۷۴/۰	۴۲۳/۳۰	۸۴/۳۰۰	۸۹/۰۰	۲۰۷/۷۰	۲۰۷/۷۰
۱۳۵۳	۲۰۹۲۲	۶۶۱۶/۰	۱۰۱۷/۰	۱۳۳۱/۰	۴۴۶۶/۰	۴۴۶۶/۰	۵۴۱/۵۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۲۶۴/۰	۲۶۴/۰
۱۳۵۴	۲۱۹۷۱	۱۱۶۹۶	۱۹۵۰/۰	۲۴۸۳/۰	۶۲۱۲/۰	۶۲۱۲/۰	۸۲۸/۸۰	۱۰۵/۸۰	۱۰۴/۰۰	۳۸۷/۰	۳۸۷/۰
۱۳۵۵	۲۴۴۰۴	۱۱۷۶۶	۲۲۵۰/۰	۳۸۸۳/۰	۶۷۱۳/۰	۶۷۱۳/۰	۱۰۹۹/۶	۱۳۳/۰۰	۱۱۰/۷۰	۳۷۵/۸۰	۳۷۵/۸۰
۱۳۵۶	۲۵۵۰۰	۱۴۶۶۲	۲۶۹۷/۰	۴۰۱۹/۰	۷۸۱۰/۰	۷۸۱۰/۰	۱۰۷۵/۶	۱۴۲/۲۰	۱۲۴/۰۰	۳۹۷/۸۰	۳۹۷/۸۰
۱۳۵۷	۲۲۳۲۸	۱۰۳۷۲	۲۱۱۶/۰	۲۹۰۸/۰	۵۳۵۰/۰	۵۳۵۰/۰	۸۴۹/۸۰	۱۵۴/۹۰	۱۳۸/۸۰	۳۵۰/۵۰	۳۵۰/۵۰
۱۳۵۸	۲۲۶۵۸	۹۹۵۵/۰	۲۵۵۰/۰	۱۸۳۵/۰	۵۳۰۰/۰	۵۳۰۰/۰	۵۷۴/۰۰	۱۸۸/۴۰	۱۵۷/۷۰	۲۹۴/۸۰	۲۹۴/۸۰
۱۳۵۹	۱۴۲۱۴	۱۰۸۴۴	۱۸۹۹/۰	۱۷۳۸/۰	۶۲۰۷/۰	۶۲۰۷/۰	۵۷۹/۹۰	۲۵۱/۴۰	۱۹۱/۸۰	۳۳۳/۳۰	۳۳۳/۳۰
۱۳۶۰	۱۴۳۲۰	۱۳۵۱۵	۳۱۴۱/۰	۲۱۴۹/۰	۸۲۲۵/۰	۸۲۲۵/۰	۵۵۱/۵۰	۳۰۷/۱۰	۲۱۱/۹۰	۳۶۵/۷۰	۳۶۵/۷۰
۱۳۶۱	۲۱۴۵۵	۱۱۸۵۵	۲۶۷۶/۰	۳۳۰۸/۰	۶۸۶۱/۰	۶۸۶۱/۰	۵۵۵/۵۰	۲۵۱/۶۰	۲۳۴/۶۰	۳۶۹/۹۰	۳۶۹/۹۰
۱۳۶۲	۲۲۰۸۲	۱۸۱۰۳	۲۹۱۱/۰	۳۳۵۱/۰	۱۰۸۴۰	۱۰۸۴۰	۸۰۶/۰۰	۴۰۰/۰۰	۲۵۱/۵۰	۴۱۷/۱۰	۴۱۷/۱۰
۱۳۶۳	۱۷۹۴۸	۱۴۴۹۴	۳۲۱۷/۰	۳۸۶۷/۰	۸۳۱۰/۰	۸۳۱۰/۰	۸۱۳/۶۰	۳۲۲/۹۰	۲۶۵/۲۰	۴۷۴/۸۰	۴۷۴/۸۰
۱۳۶۴	۱۵۰۲۳	۱۱۶۰۸	۱۵۷۹/۰	۲۴۲۱/۰	۷۴۱۱/۰	۷۴۱۱/۰	۶۷۹/۱۰	۴۵۶/۰۰	۲۸۱/۵۰	۴۶۰/۳۰	۴۶۰/۳۰
۱۳۶۵	۷۱۶۵/۴	۳۳۵۵/۰	۱۶۹۵/۰	۲۱۹۹/۰	۵۴۶۱/۰	۵۴۶۱/۰	۵۰۹/۴۰	۵۵۸/۵۰	۳۵۸/۰۰	۱۳۵/۴۰	۱۳۵/۴۰
۱۳۶۶	۱۰۲۹۲	۹۳۶۶/۰	۱۶۶۲/۰	۲۲۰۹/۰	۵۴۹۸/۰	۵۴۹۸/۰	۴۴۳/۸۰	۷۰۹/۵۰	۵۹۶/۸۰	۵۰۲/۰۰	۵۰۲/۰۰
۱۳۶۷	۸۸۱۰/۰	۸۱۷۹/۰	۱۶۷۹/۰	۱۸۶۹/۰	۴۸۱۹/۰	۴۸۱۹/۰	۳۷۰/۶۰	۸۳۵/۹۰	۵۹۴/۶۰	۵۰۸/۳۰	۵۰۸/۳۰
۱۳۶۸	۱۳۳۸۰	۱۲۸۰۷	۳۳۴۴/۰	۲۱۵۵/۰	۷۵۴۸/۰	۷۵۴۸/۰	۲۶۳/۲۰	۱۰۳۹/۴	۶۷۳/۲۰	۵۵۲/۴۰	۵۵۲/۴۰
۱۳۶۹	۱۸۴۲۹	۱۸۷۲۲	۲۵۰۰	۴۶۳	۱۱۸۵۴	۱۱۸۵۴	۴۴۹/۲	۱۲۷۰/۵	۹۰۴/۸	۶۲۸/۴	۶۲۸/۴
۱۳۷۰	۱۶۰۲۰	۲۹۶۷۷	۳۴۴۱	۹۹۱۱	۱۳۳۲۵	۱۳۳۲۵	۶۳۳/۸۸	۱۵۷۷	۱۱۰۸/۳	۸۱۳/۱۴	۸۱۳/۱۴

منبع: گزارش اقتصادی و ترانزنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و حسابهای ملی ساتهای (۱۳۴۲ - ۱۳۷۰)



وابستگی بخش صنعت و تولیدات به خارج از کشور) می‌شود.

نتیجه اینکه با توجه به توابع تقاضای برآورد شده، ملاحظه شد که صرفاً با اعمال سیاست کاهش ارزش پول، نمی‌توان به هدف تعادل خارجی اقتصاد با کاهش در واردات دست یافت و لازم است که همگام با اعمال این سیاست، زمینه را جهت موفقیت آن فراهم نمود و از سیاستهای مغایر با آن و خنثی‌کننده تأثیرات این سیاست جلوگیری به عمل آورد.

قانونی در صدور کالاهای واحدهای تولیدی، تا از این طریق قسمتی از نیازهای ارزی خود را جهت خرید مواد اولیه و لوازم یدکی و ماشین‌آلات از خارج تأمین نموده و قادر به ادامه فعالیت خود باشند، همچنین اعمال نرخهای تعرفه مؤثر جهت حمایت از صنایع و تولیدات داخلی، صورت گیرد. لازم به ذکر است که باید این حمایتها برای یک دوران کوتاه اعمال شود و الا حمایتهای مستمر از این واحدهای وابسته به ارز، مجدداً "باعث ادامه روال گذشته (یعنی



## الف - منابع فارسی

- ۱- فرهنگی، دکتر علی - ارزیابی سیاست ارزی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- ۲- مایس.و. اقتصادسنجی کاربردی - ترجمه دکتر عباس عرب مازار. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.
- ۳- راو و میلر. اقتصادسنجی کاربردی. ترجمه دکتر حمید ابریشمی - چاپ اول. تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی وابسته به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اسفند ۱۳۷۰.
- ۴- هزیر کیانی، دکتر کامییز، اقتصادسنجی و کاربرد آن. چاپ اول. تهران: انتشارات بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۱۳۶۸.
- ۵- شهبانی، دکتر احمد. الگوی اقتصادسنجی ایران و کاربردهای آن. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، آذرماه ۱۳۵۷.

- ۶- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - بررسی تحولات اقتصادی بعد از انقلاب - ۱۳۶۲.
- ۷- جوهری، عباس؛ تأثیر کاهش ارزش ریال بر واردات (پایان نامه) - تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران - بهمن ۱۳۷۱.
- ۸- سالواتوره، دومینیک. توری و مسائل اقتصاد کلان. ترجمه هدایت ایران پور، حسن گلریز. چاپ دوم. تهران: نشر نی، ۱۳۷۰.
- ۹- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - حسابهای ملی ایران - سالهای ۵۶-۱۳۳۸ و سالهای ۶۶-۱۳۵۳ و سالهای ۶۹-۱۳۶۷.
- ۱۰- بروکس، جان و ایوانز، رابرت. سیاستهای اقتصاد کلان - ترجمه دکتر عبدا... جیروند. چاپ اول، تهران: انتشارات پایروس، زمستان ۱۳۶۷.
- ۱۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای ۶۸-۱۳۴۲.
- ۱۲- سالواتوره، دومینیک. مایه بین الملل. ترجمه و اضافات سید فضل ریاضی، چاپ دوم. بابلسر: چاپ و انتشارات دانشگاه مازندران ۱۳۶۷.

## ب - منابع لاتین:

- 13- Branson William H., *Macroeconomic theory and policy*, second edition, India: 1990 .
- 14- Pesaran M.Hashem. *The Iranian foreign exchange policy and the black market for dollars*, int.j.Middle East stud.24(1992), 101-125.
- 15- Houthakkey and Magee, *Income and price elasticities in world trade*, review of economics and statistics, vol.51(May 1969).
- 16- Mohsin Khan, *Important export demand in developing countries*, international monetary fund staff papers, vol. XXI, No.3(November 1974).
- 17- Mohsin Khan, *Experiment with a monetary model for the venezulan economy*, staff paper, No.2, 1942.
- 18- Edvards, Sebastian, *Reall and adjustment: exchange rat policy in developing contries*, combridge, mass MIT prcss, 1988.
- 19- Pesaran-M.H. *Macroeconomic policy in an oil exparting economy with foreign exchange controls*, economica, N.51.1984.